

یادداشت

دلایل عدم پابندی آمریکا به برجام



محسن پاک آیین

کارشناس مسائل بین الملل

عملکرد دولت بایدن پس از تصدی ریاست جمهوری آمریکا نشان می دهد که او نیز همانند ترامپ، اراده‌ای برای اجرای تعهدات خود در توافق برجام و به‌خصوص لغو تحریم‌های ظالمانه علیه مردم ایران ندارد. این در حالی است که بعد از استقرار دولت سیدهم، ضمن اینکه مسائل کشور به‌خاطر برجام تعطیل نشد، اما ایران با استقبال از میز مذاکرات اعلام کرد که در صورت لغو تحریم‌ها، تعهداتمان در برجام را انجام خواهیم داد. دلایل عدم پابندی آمریکا به اجرای مفاد برجام، ذیلاً مرور می‌شود. دولت بایدن بعد از پیروزی در انتخابات به دلیل عدم همراهی کنگره و مواجه شدن با خلأ حمایت نهاد‌های داخلی، به تدریج وعده‌های تبلیغاتی خود مبنی بر فعال‌سازی توافق هسته‌ای با ایران را از اولویت خارج کرد. فراین پالیسی‌نشری تخصصی سیاست خارجی آمریکا در مرداد ۱۴۰۱ به این تغییر رویه رئیس‌جمهور آمریکا توجیه کرد و نوشت: «بایدن به‌خاطر ادامه سیاست‌های ترامپ، با ایران به توافق نرسید و دیگر به توافق نخواهد رسید.» استن‌ان والٹ نویسنده این یادداشت در فرآین پالیسی معتقد بود که: «آنچه دولت بایدن عملاً در خاورمیانه انجام داد، به دوران ترامپ شباهت داشت و رویکرد دولت آمریکا در قبال منطقه خاورمیانه و ایران، اساساً یک باسیاست خارجی در آمریکا را برای لغو تحریم‌های ایران هماهنگ سازد و به تدریج با افزایش تحریم‌ها علیه ایران، در صف مخالفان برجام قرار گرفت. با شروع جنگ اوکراین و درگیر شدن روسیه در یک جنگ فرسایشی، آمریکا پیش از گذشته انگیزه خود برای تداوم مذاکرات و لغو تحریم‌های یک‌جانبه علیه ایران را از دست داد. سیاستمداران آمریکا اینگونه تحلیل کردند که با توجه به تضعیف روسیه به‌خاطر جنگ با اوکراین، اگر توافق برجام به لغو تحریم‌های ایران بینجامد، این کشور به قدرت اقتصادی منطقه تبدیل خواهد شد و این اتفاق منافع آمریکا را با خطر مواجه می‌سازد. لذا پس از جنگ اوکراین، مواضع لجوجانه و کارشکنانه آمریکا نسبت به برجام تشدید و در مقاطع مختلف سعی شد، روسیه به‌عنوان عامل توقف فرایند برجام، معرفی شود. اتحادیه اروپا که تأثیری جدی در روند احیای برجام نداشت، پس از جنگ اوکراین، از سیاست‌های آمریکا پیروی کرد و نشان داد که نمی‌تواند جدا از نظرات کاخ سفید تصمیم‌گیری کند. در واقع جنگ اوکراین، اتحادیه اروپا را در حوزه گفت‌وگامی به این باور رساند که برای تأمین منافع راهبردی خود باید در کنار واشنگتن باشد. این اتفاق نه تنها اروپا را از مخالفین خروج آمریکا از برجام خارج کرد بلکه موجب تقویت انگیزه آمریکا برای تضعیف میز مذاکره و کارشکنی در مسیر احیای برجام و لغو تحریم‌ها علیه ایران شد. همراهی اروپا با آمریکا برای به‌حاشیاء بردن برجام، غرب را متقاعد کرد که از اهرم

اُانس بین‌المللی انرژی اتمی علیه ایران استفاده کرده و با تصویب قطعنامه در این نهاد، ایران را به دلیل عدم همکاری با اُانس به‌عنوان متهم اصلی در توقف مذاکرات معرفی کنند. لایه آمریکا را با موضوع انحراف اُانس از مسیر فنی به مسیر سیاسی گردید و موجب تأخیر در روند مذاکرات لغو تحریم‌ها شد. البته ایران بر حرکت در مسیر موازین و مقررات بین‌المللی و همکاری با اُانس تأکید و اعلام کرد که به دنبال ساخت بمب اتم نیست و غرب نمی‌تواند از این حرف‌ها علیه منافع ایران استفاده کند. وجود برخی از اعتراضات مدنی در پاییز گذشته که در مقطعی با هادیت غرب تبدیل به اغتشاش شده، آمریکا و اروپا را به موضوعی که آن را «تغییر نظام» می‌خواندند، امیدوار کرد و کارشکنی آمریکا در مسیر موفقیت مذاکرات را بیشتر ساخت. مقامات آمریکا را با راه‌های لولحه‌چلوگری از به‌نتیجه‌رسیدن توافق برجام را نوعی حمایت از آشوب‌های ایران دانستند و جاهلانه در کنار ضد انقلاب عکس گرفته و دست‌های دموکراتیک گرفتند. غرب با این تحلیل غلط در حمایت از اغتشاشات، حتی اقدامات تروریستی از جمله حمله به شاهچراغ را هم محکوم نکرد. یکی دیگر از دلایل سرسختی بایدن برای بلاتکلیف گذاشتن مذاکرات، محروم کردن ایران از فرصت‌های اُراسیایی به‌خصوص ایجاد اختلال در روابط ایران با روسیه، چین و همسایگان بود. در واقع سیاست آمریکا برای دستیابی به یک توافق دوجانبه با ایران برای خارج ساختن طرف‌های دیگر برجام به‌خصوص جدا سازی ایران از قدرت‌های اُراسیایی است. مذاکره غیر مستقیم با ایران از طریق کشورهای خلیج فارس، برای تبادل زندانیان و آزادسازی بخشی از دارآمدهای ایران نیز با هدف دور زدن برجام و عدم اجرای تعهدات خود به‌خصوص لغو تحریم‌های برجامی و پسا برجامی دنبال می‌شود. برجام یک سند لازم‌الزوم بوده و سیاست حکم‌نامه ایران به‌عنوان کشوری که هیچ‌گاه از برجام خارج نشده، مبتنی بر «تعهد در مقابل تعهد» است. این سیاست مبتنی بر اصول و موازین بین‌المللی، قابل درک برای طرف‌های باقیمانده در برجام و برگرفته از مفاد این توافق است. کارشکنی‌های آمریکا نشان می‌دهد که کماکان این کشور مقصر اصلی برای عدم اجرای برجام است. بر این اساس، عدم ترک میز مذاکره از سوی ایران و همچنین برنامه ریزی برای افزایش همکاری‌های همه‌جانبه با روسیه و چین و همسایگان، به‌رغم وجود برخی اختلافات و همچنین تقویت سیاست با اتحادیه اُراسیا، سازمان‌ها شائگه‌ای و بریکس، یک انتخاب درست و راهبردی است که موضع ما را نیز در مقابل غرب تقویت خواهد کرد.

دریچه

محمد صالح جوکار:

در سایه اقتدار نظام حقوق ملت را احیا کردیم

رئیس کمیسیون شوراها و امور داخلی کشور درباره تأثیر اقدامات حقوقی و دیپلماتی دولت سیزدهم در توافق حاصل شده بین ایران و آمریکا برای آزادسازی بخشی از منابع مالی ایران، بیان کرد: در سطح بین‌الملل آنچه مهم است وجود ثبات در کشور است. اگر ثبات یک کشور به‌خطر بیفتد، دشمنان منتظر ورود و مداخله هستند، هر کدام نیز منافع خود را دنبال می‌کنند. محمد صالح جوکار گفت: در سال گذشته، اغتشاشاتی که رخ داد، بر روی توافقاتی که در سطح جهانی قرار بود به‌وقوع بپیوندد، تأثیر منفی گذاشت. نیت پلید دشمنان نیز اساساً بی‌ثبات سازی کشور بود. وی اظهار کرد: ما مدیوم که دشمنان این ملت در این اغتشاشات نقش داشتند، حتی به دنبال این بودند تا در کشور چند دستگاهی ایجاد کرده و کشور را تجزیه کنند. به‌عنوان مثال در کشور سوریه که بی‌ثباتی ایجاد شد هنوز آمریکا و ترکیه در خاک این کشور حضور دارند و به دنبال منافع خود هستند. همین خواب را نیز برای کشور ما دیده‌بودند. نماینده مردم بزد در مجلس تصریح کرد: فلذا امنیت و ثبات کشور بسیار مهم است، هرچه ثبات کشور بالاتر باشد، هزینه‌ها در سطح بین‌الملل کمتر خواهد بود و ما با قدرت بیشتر می‌توانیم برنامه‌های خود را در حوزه سیاست خارجی دنبال کنیم.

جعفر قنادباشی در گفت و گو با «آرمان ملی»:

کودتای نیجر

کودتا علیه استعمار فرانسه بود

فرانسه از تکرار کودتا در حیات

خلوت خود نگران است

خواست مردم نیجر پایان سلطه

فرانسه بر این کشور است

فرانسه به نام دموکراسی به دنبال

دخالت نظامی در نیجر است



فرانسه دوست ندارد پرستیژ سیاسی اش با کودتا در نیجر از بین برود

آرمان ملی – احسان انصاری: نیجر کشوری محصور در خشکی در غرب آفریقا است. نیجر مساحتی برابر با ۱٬۲۶۷٬۰۰۰ کیلومتر مربع دارد. این کشور در تاریخ ۱۳ اوت ۱۹۶۰ میلادی، رسماً از فرانسه اعلام استقلال کرد. جمعیت این کشور ۲۴٬۲۰۷٬۰۰۰ نفر است.

این کشور از لحاظ شاخص توسعه انسانی وضعیت بسیار ناخوشایندی دارد، به گونه‌ای که در سال ۲۰۱۴ مطابق با آمار و اطلاعات جمع‌آوری شده توسط سازمان ملل متحد، نیجر در رتبه ۱۸۸ جهان جای گرفت.

این کشور، با وجود اینکه دارای منابع نفتی و معادن سنگ اورانیوم است، یکی از فقیرترین کشورهای جهان به‌شمار می‌رود. حدود ۹۰ درصد جمعیت این کشور مسلمان هستند. به‌تازگی فرماندهان نظامی در نیجر علیه رئیس‌جمهور این کشور کودتا کردند و قدرت را به دست گرفته‌اند. اتفاقی که آپسنت تحولات گسترده‌ای در غرب آفریقا است. این پنجمین کودتای نظامی موفق است که از زمان استقلال این کشور در سال ۱۹۶۰ صورت می‌گیرد. این قبضه قدرت توسط نظامیان در عرصه بین‌المللی به رسمیت شناخته نشده و به صورت گسترده توسط سران کشورهای سازمان‌های مختلف محکوم شده است. از آن جمله، جامعه اقتصادی کشورهای غرب آفریقا (اگواس) با تشکیل یک نشست اضطراری، ضمن برقراری تحریم‌های شدید علیه نیجر و عوامل کودتا در آن، یک هفته به کودتاچیان مهلت داد رئیس‌جمهور پیشین را به قدرت بازگرداند؛ در غیر این صورت این جامعه «تمامی تعهدات لازم» در این رابطه از جمله اعمال زور را اجرا خواهد کرد. در این حال، تعدادی از کشورهای عضو اگواس پشتیبانی خود را از کودتای نیجر اعلام کرده‌اند. دولت‌های بوری‌کینافاسو و مالی با صدور بیانیهای مشترک هرگونه دخالت نظامی خارجی در نیجر را «به‌مثابه اعلان جنگ» علیه این دو کشور دانستند. این بیانه ضمن ابراز همبستگی با مقامات نظامی نیجر، تصریح نمود بوری‌کینافاسو و مالی در هیچ اقدامی علیه نیجر مشارکت نخواهند کرد. این دو کشور همچنین تحریم‌های اعمالی توسط اگواس را «غیرقانونی، غیرمشرع و غیر انسانی» دانستند. نهاد ریاست جمهوری گیتنه هم موضع مشابهی اتخاذ کرد و گفت مشارکتی در اقدام علیه نیجر نخواهد داشت. این کشور هشدار داد دخالت نظامی در نیجر به یک «فاجعه انسانی» منجر خواهد شد. اگواس پیش از این دو کشور بوری‌کینافاسو و مالی را نیز به جهت کودتاها می‌که در آنها رخ داده بود، تحریم و عضویت آن‌ها در این سازمان را معلق کرده است اما تاکنون تهدیدی برای توسل به زور علیه آنها وجود نداشته است. «آرمان ملی» برای تحلیل و بررسی آخرین تحولات پیرامون کودتا در نیجر با جعفر قنادباشی، تحلیلگر روابط بین‌الملل گفت‌وگو کرده که در ادامه می‌خوانید.

مهم‌ترین دلایل کودتای نظامیان در نیجر چه بود؟ چرا نظامیان علیه حکومتی که از طریق انتخابات و دموکراسی شکل گرفته بود کودتا کردند؟

در گذشته در نیجر و کشورهای آفریقایی کودتاهای زیادی رخ داده است. با این وجود کودتای اخیر که در نیجر رخ داده از بسیاری جهات نسبت به کودتاهای گذشته متفاوت بوده است. ریشه اصلی کودتای اخیر ناراضی‌های نظامیان و مردم از وضعیت حکومت در نیجر بود. اینکه عنوان می‌شود تنها نظامیان از وضعیت حکومت در این کشور رضایت نداشتند دقیق نیست بلکه مردم نیز از وضعیت حکمرانی نیجر رضایت نداشتند. دلیل اصلی این ناراضی‌ها نیز سلطه فرانسه در مناسبات اقتصادی، سیاسی و اجتماعی نیجر بود. در چنین شرایطی گارد ریاست جمهوری دست به اقدامی زد که سال‌هاست مطالبه مردم است و آن این است که فرانسه به استعمار اقتصادی نیجر پایان بدهد. دلیل دیگری که در کودتای اخیر نقش داشت اتفاقاتی بود که در مالی و بوری‌کینافاسو رخ داده بود که مردم به سلطه فرانسه پایان داده و شرایط را تغییر داده بودند. به هر حال کشورهایی که در یک منطقه جغرافیایی قرار دارند روی تحولات اجتماعی و سیاسی یکدیگر تأثیر گذارند که این وضعیت در بین کشورهای آفریقایی و نیجر نیز وجود داشته است.

محمد بازوم رئیس‌جمهور مملوع نیجر به صورت دموکراتیک از طریق صندوق رأی به قدرت رسیده بود. این در حالی است که روسای جمهوری نیجر اغلب با کودتا به قدرت می‌رسیدند. آیا ضعف جامعه مدنی در چنین کشورهایی باعث بروز کودتاهای بی‌دینی می‌شود؟

بازوم به وسیله انتخابات و دموکراسی به قدرت رسیده بود اما دموکراسی‌ای که در نیجر و چنین کشورهایی وجود دارد به دلایل مختلف با معنای واقعی دموکراسی تفاوت دارد. در شرایط کنونی کشورهایی مانند فرانسه، آمریکا و برخی از کشورهای آفریقایی از قربانی شدن دموکراسی در این کشور توسط نظامیان سخن می‌گویند. این در حالی است که در واقعیت چنین نیست و فرانسه به دنبال دخالت نظامی در نیجر است. به همین دلیل نیز مسئله دموکراسی را مطرح می‌کنند که با واسطه آن بتوانند به خواسته‌های خود در این کشور دست پیدا کنند. فرانسه و آمریکا عنوان می‌کنند که نظامیان در نیجر دولتی باساقط کرده‌اند که براساس دموکراسی شکل گرفته است در نتیجه کودتاچیان را در مقابل دموکراسی قرار می‌دهند تا در نهایت بتوانند فضا را برای مداخله نظامی در این کشور فراهم کنند. فقری که مردم نیجر در سال‌های اخیر متحمل می‌شدند به دلیل سلطه و استعمار فرانسه بر این کشور بود و به همین دلیل نیز مردم از دخالت فرانسه در این کشور رضایت ندارند. در طول سال‌های گذشته فرانسه مهم‌ترین منابع نیجر که اورانیوم است را به تازگی می‌برد تا مردم کشوری که می‌توانست از این طریق درآمد قابل قبولی به دست بیاورد در فقر شدید زندگی کنند و با چالش‌های جدی در زندگی خود مواجه باشند. در واقع آنچه امروز در نیجر رخ داده واکنش مردم

نسبت به استعمار بوده است. فقر در همه کشورهای وجود دارد و در نیجر نیز همواره وجود داشته است. با این وجود فقر دلیل اصلی ناراضی‌های کنونی نیست بلکه مجموعه تحقیری که فرانسوی‌ها نسبت به مردم نیجر انجام داده‌اند باعث به وجود آمدن این کودتا شده است. استعمار به مجموعه از رفتارها و اقدامات گفته می‌شود که مردم یک کشور را تحقیر می‌کند. این وضعیت به خوبی درباره رویکرد فرانسه در نیجر وجود داشت.

در اخبار منتشر شده درباره تحولات اخیر نیجر احتمال نزدیکی کودتاچیان به روسیه و دخالت روسیه توسط گروه واگنر نیز مطرح شده است. این موضوع به چه میزان می‌تواند رنگ واقعیت به خود بگیرد؟

گروه واگنر یک گروه نظامی است و از چنین قابلیت‌ها برخوردار نیست که بتواند اجتماعات مردمی را به صحنه بیاورد. از سوی دیگر گروه واگنر از چنین ظرفیتی برخوردار نیست که با لایه‌گری نظامیان نیجر را به کودتا تشویق کند. گروه واگنر یک گروه نظامی است که برای کمک به بخش نظامی به برخی کشورهای آفریقایی وارد شده و اقدامات نظامی در این کشورها انجام داده است. به همین دلیل این گروه نمی‌تواند افکار عمومی و مردم را با خود همراه کند و اساساً فاقد چنین توانایی است. از سوی دیگر آمریکا، فرانسه و کشورهای آفریقایی که مخالف کودتا در نیجر هستند به صراحت عنوان کردند که آنچه در نیجر رخ داده با حمایت روسیه مطرح شد به دو دلیل بوده است. نخست اینکه کشورهای غربی مانند فرانسه و آمریکا در بحران اوکراین با روسیه سرشاخ شده‌اند. به همین دلیل نیز پس از کودتا در نیجر در یک رویکرد تبلیغاتی عنوان کردند که روسیه در این کودتا نقش داشته است. این در حالی است که روسیه در تحولات اخیر در نیجر نقش نداشت و تنها رسانه‌های غربی به این موضوع دامن زدند. دلیل دوم این اتفاق این بود که فرمانده گروه واگنر از کودتا حمایت کرد و آن را تأیید کرد. این تأیید به معنای این نیست که گروه واگنر در این کودتا نقش داشته است. این دو دلیل باعث شد که برخی گمان کنند روسیه در این کودتا نقش داشته در حالی که چنین نبوده است.

کودتای نیجر چه تأثیری بر کشورهای دیگر آفریقایی دارد؟ آیا این احتمال وجود دارد که کشورهای دیگر آفریقایی نیز با توجه به شرایط نیجر به دنبال تغییر و تحول به وسیله کودتا باشند؟

بله؛ یکی از موضوعات مهمی که در شرایط کنونی وجود دارد همین مسئله و احتمال تکرار اتفاقات نیجر در بین کشورهای دیگر آفریقایی است. در شرایط کنونی رهبران کشورهای غرب آفریقا جلساتی تشکیل داده‌اند و به دنبال این هستند که کودتاگران نیجر را مجازات کنند. دلیل اصلی این جلسات تکراری از تکرار این اتفاقات در کشورهای دیگر آفریقایی است. از سوی دیگر فرانسه نیز نگران وضعیت نیجر است. فرانسه از یک طرف نگران از دست

اینکه در جریان کودتا در نیجر نام روسیه و گروه واگنر مطرح شده دو دلیل بوده است؛

نخست اینکه کشورهای غربی مانند فرانسه و آمریکا در بحران اوکراین بار و سیه سرشاخ شده‌اند. به همین دلیل نیز پس از کودتا در نیجر در یک رویکرد تبلیغاتی عنوان کردند که روسیه در این کودتا نقش داشته است. این در حالی است که روسیه در تحولات اخیر در نیجر نقش نداشت و تنها رسانه‌های غربی به این موضوع دامن زدند. دلیل دوم این اتفاق این بود که فرمانده گروه واگنر از کودتا حمایت کرد و آن را تأیید کرد. این تأیید به معنای این نیست که گروه واگنر در این کودتا نقش داشته است

نگره

سیگنال‌های تبادل

زندانیان دوتابعیتی

روز پنجشنبه ۱۹ مردادماه، رسانه‌های آمریکایی از جمله سی‌ان‌ان و نیویورک تایمز از دستیابی تهران واشنگتن به توافق در زمینه تبادل زندانیان و دسترسی ایران به بخشی از ارزهای بلوگه‌شده خبر دادند. در این گزارش‌ها به تبادل زندانی‌های ایران و آمریکا در چارچوب یک توافق دوطرفه پس از ۲ سال «مذاکره پنهانی ایران و آمریکا» اشاره شده است. نیویورک تایمز در قسمتی دیگر از گزارش خود درباره جزئیات احتمالی این توافق، به نقل از منابع آگاه نوشت که ایالات متحده اجازه خواهد داد نزدیک به شش میلیارد دلار از دارایی‌های بلوگه‌شده ایران در کره جنوبی به حسابی در بانک مرکزی قطر منتقل شود. این حساب از سوی دولت قطر کنترل و تنظیم می‌شود تا ایران بتواند تنها برای پرداخت به فروشندگان با هدف خریدهای «بشردوستانه مانند دارو و غذا» به این پول دسترسی داشته باشد. دفتر نمایندگی جمهوری اسلامی در سازمان ملل متحد نیز، با اشاره به انتقال پنج زندانی آمریکایی از زندان اوین به حبس خانگی، آن را در «چارچوب یک توافق با واسطه‌گری کشور ثالث» خواند. بر اساس گزارش‌ها، قرار است در ازای دسترسی تهران به شش میلیارد دلار برای «مقاصد بشردوستانه» و آزادی چندین ایرانی زندانی از سوی واشنگتن، پنج زندانی آمریکایی اجازه خروج از ایران را پیدا کنند. جان کری، هماهنگ‌کننده ارتباطات راهبردی شورای امنیت ملی کاخ سفید، روز جمعه، ۲۰ مرداد ماه، در رابطه با آزاد شدن ۶ میلیارد دلار از دارایی‌های ایران از کره جنوبی مدعی شد:

محدودیت‌هایی بر روی اینکه ایران چه کارهایی می‌تواند با این اموال انجام دهد، وجود خواهد داشت. هماهنگ‌کننده ارتباطات راهبردی شورای امنیت ملی کاخ سفید عنوان کرد که نمی‌تواند گزارشات درخصوص کاهش غنی‌سازی ایران را تأیید کند. اظهارات کری درخصوص کاهش غنی‌سازی ایران در پی این مطرح شده که وال استریت ژورنال به نقل از منابع مطلع مدعی شد که ایران به شکل حائزاهمیتی سرعت انباشت اورانیوم غنی‌سازی شده خود را کاهش داده و حتی از غنای بخشی از ذخایر اورانیوم خود کاسته است. با توجه به این رویاندها، پرسش‌هایی مطرح است، از جمله این که آیا توافق آزادی زندانیان مقدمه‌ای بر توافق هسته خواهد بود؟ آینده توافق ایران پس از انتخابات ریاست جمهوری آمریکا چگونه ارزیابی می‌شود و پول‌های ایران دقیقاً به چه شکلی به کشور باز خواهد گشت؟

زمان کم برای توافق بسیار بزرگ

یک تحلیلگر مسائل بین‌الملل اظهار داشت: از همان سال گذشته که موضوع برجام بین ما و آمریکایی‌ها به‌حاشیه رفت، موضوعی که جایگزین شد و پاک‌بانی‌ها اصرار داشتند به آن بپردازند، همین مسئله زندانیان و تابعیت در ایران بود. درباره این محبت، سال گذشته هم توافقاتی صورت گرفته بود که اجرایی نشد. در همین دوره، اعلام شد آمریکا‌های‌ها بر خلاف دوران اوامه، پول را مستقیم به ایران پرداخت نخواهند کرد و پولی که در عراق است، در حسابی تحت نظر مقامات ذریبط آمریکا قرار داده و بر اساس مواردی که تحت چارچوب تحریم‌ها نیست، پول پرداخت می‌شود. در واقع این پول متعلق به ایران است، اما نوعی که از آن استفاده می‌شود بر اساس نظر آمریکا خواهد بود. قلم‌محبعی درخصوص احتمال شکل‌گیری توافق هسته‌ای در کنار توافق مبادله زندانیان گفت: این دو مساله، کاملاً متفاوتند، اما طبیعتاً است که یکدیگر اثرگذارند. در توافق پیشین (۲۰۱۵) نیز، همزمان با توافق، تعدادی از زندانی‌های حاضر در ایران آزاد شدند و بخشی از طلب‌های ایران از آمریکا نیز دریافت شد. به هر حال نمی‌توانیم بگوییم آزادی زندانیان بی تأثیر است، اما بازگشت به یک توافق، مسأله‌ای با دست یافتن به توافق هسته‌ای است که ۲۰۱۵ نیست. بحث بر سر یک توافق جامع است که بر اساس مهر بر نامه هسته‌ای ایران، در چارچوب معاهده منع گسترش هسته‌ای (NPT) است. این طرح می‌تواند بر اساس طرفین مورد بررسی قرار بگیرد. پایه این طرح می‌تواند براساس برخی توافقاتی باشد که در برجام رخ داده بود. حس من این است که تا ریاست جمهوری آتی ایالات متحده، چندین جای‌بکی روی توافق وجود نخواهد داشت مگر آن که یک توافق بسیار بزرگ انجام شود، ولی برای رسیدن به توافق بزرگ نیز زمان کافی نداریم.

سیاست‌های تحریمی آمریکا تغییر نکرده است
سفر پیشین ایران در مالزی و یونان افزود: این توافق برای تبادل زندانیان به بحث اقتناع افکار عمومی و ایجاد نقطه قوت برای بادن پیش از انتخابات ریاست جمهوری مرتبط است. وزیر امور خارجه آمریکا نیز تأکید کرده که هیچ تحریمی لغو نشده و سیاست آمریکا در قبال ایران تغییری نکرده است. این موضع رسمی ایالات متحده است، اگر چه میز مذاکره همواره قابل احیاست. اما زمان و شرایط بر مذاکرات تأثیر گذار است. تصور نمی‌کنیم این توافق قدرت و عزم کافی برای رسیدن به توافق جامع وجود داشته باشد. حذاکر حتی که تصور می‌کنم، اتجماد ایران و آمریکا در همین شرایط فعلی است. باید دید رئیس‌جمهور بعدی ایالات متحده، چه شرایطی را در آمریکا ایجاد می‌کند و آیا شرایط به همین گونه خواهد ماند یا تغییر می‌کند. وی ادامه داد: واکنش منفی جمهوری خواهان به توافق مبادله زندانیان به این دلیل است که مایل نیستند، اعتبار و امتیاز این حرکت، برای بادن ایجاد محبوبیت کند، بنابراین طبیعی است که نسبت به این توافق روی خوش نشان نداده و سعی کنند افکار عمومی و به ویژه افکار ایرانی‌ها و دوتابعیتی‌ها را که مقیم خارج از ایران هستند منفی کنند. این رفتار جمهوری خواهان یک حرکت سیاسی به نفع اهداف خودشان است.

رئیس‌جمهور بازوم به وسیله انتخابات و دموکراسی به قدرت رسیده بود اما دموکراسی که در نیجر و چنین کشورهایی وجود دارد به دلایل مختلف با معنای واقعی دموکراسی تفاوت دارد. در شرایط کنونی کشورهای آمریکا و فرانسه، آمریکا و برخی از کشورهای آفریقایی از قربانی شدن دموکراسی در این کشور توسط نظامیان سخن می‌گویند. این در حالی است که در واقعیت چنین نیست و فرانسه به دنبال دخالت نظامی در نیجر است. به همین دلیل نیز مسئله دموکراسی را مطرح می‌کنند که با واسطه آن بتوانند به خواسته‌های خود در این کشور دست پیدا کنند.

دادن منافع خود در نیجر است و دوم نگران این است که این اتفاقات در کشورهای دیگر آفریقایی تکرار شود و منافع فرانسه را در این کشورها به‌خطره بیندازد. به همین دلیل فرانسه به دنبال این است که کودتاگران را به شدت مجازات کند و مردم نیجر را از مخالفت با سیاست‌های فرانسه در این کشور بشیمان کند. دلیل این رویکرد نیز این است که در تکرار این اتفاقات در کشورهای دیگر آفریقایی جلوگیری کنند.

اگر استعمار فرانسه در آفریقا هنوز به پایان نرسیده است؟

واقعیت این است که فرانسه یک استعمارگر بزرگ در آفریقا بوده و در گذشته نزدیک به بیست کشور آفریقایی جز مستعمره فرانسه به شمار می‌رفته است. به همین دلیل نیز در شرایط کنونی در حدود چهارده کشور آفریقایی نام واحد پول آنها فرانک است که در گذشته واحد پول فرانسه بوده که بعداً به یورو تبدیل شد. این وضعیت نشان می‌دهد که استعمار فرانسه در آفریقا ادامه داشته و در طول سال‌های گذشته بسیاری از منابع این کشورها را استخراج کرده است. بدون تردید اگر این استعمارگری‌های فرانسه در آفریقا نبود امروز این کشور به عنوان ابرقدرت در سطح جهان شناخته نمی‌شد. اگر بیوندد فرانسه با منابع کشورهای آفریقایی قطع شود دیگر فرانسه نمی‌تواند منابع لازم را برای تبدیل شدن به یک ابرقدرت در اختیار داشته باشد و به همین دلیل به یک کشور معمولی تبدیل خواهد شد. نکته دوم اینکه نیجر داری منابع زیادی اورانیوم است که از اهمیت زیادی برخوردار است. در شرایط کنونی کشورهای جهان در جنگ انرژی قرار دارند. این در حالی است که بیش از یک سوم برق فرانسه را نیز اورانیوم تأمین می‌کند. به همین دلیل منابع اورانیومی که در نیجر قرار دارد برای فرانسه از اهمیت استراتژیک برخوردار است. به همین دلیل نیز فرانسه حاضر نیست به راحتی این منابع مهم و کلیدی را از دست بدهد. نکته سوم اینکه فرانسه به واسطه پیوند اقتصادی با کشورهای آفریقایی برای خود در بین قدرت‌های جهانی اعم از آمریکا و کشورهای غربی و چین و روسیه یک پرستیژ سیاسی ایجاد کرده است. به همین دلیل نیز حاضر نیست به راحتی با کودتا در نیجر این پرستیژ سیاسی را در بین قدرت‌های جهانی از دست بدهد.